

چنین بود که جلایی‌پور به‌صراحت و از منظر جامعه‌شناسی سیاسی از «ختم انقلاب» می‌نوشت: مردی‌ها شعار «استقلال» را نقد می‌کرد و عمادالدین باقی به تجدیدنظر در ایده‌های اولیه خود درباره انجمن حجتیه روی می‌آورد. مقالاتی که گاه واکنش چپ‌گرایان را برمی‌انگیخت؛ چنان‌که یک‌بار علی‌اکبر محتشمی‌پور (عضو مجمع روحانیون مبارز و وزیر دولت میرحسین موسوی) به‌تندی علیه یکی از نوشته‌های مردی‌ها موضع گرفت. ضمن آن‌که جهان فکری و اندیشه‌گی «جامعه» مبتنی بر مقالات و نظریات سروش و دیدگاه‌های پوپری او بود. مقالاتی که همان زمان، سعید حجاریان و برخی دیگر از اندیشه‌ورزان چپ اسلامی به نقد آن پرداخته‌بودند.

این درحالی‌بود که «سلام» و در تداوم آن، «صبح امروز» و دیگر روزنامه‌های جریان چپ پس از دوم‌خرداد، بیش از آن‌که ادعای نمایندگی «جامعه‌مدنی» و آفرینندگان دوم‌خرداد را داشته باشند، سخنگوی نیروی سیاسی حامی دولت خاتمی بودند که در آذرماه ۱۳۷۷ در قالب «جبهه مشارکت ایران اسلامی» صورت تشکیلاتی و عینی نیز پیدا کرد. چنین بود که جبهه مشارکت و روزنامه‌های آن و در رأس همه «صبح امروز»، گرچه شعار «ایران برای همه ایرانیان» سر می‌دادند؛ اما راهبرد و رویکرد آنان به «اصلاحات»، عمدتاً مبتنی بر نگاهی پروژه‌ای و «سیاست‌محور» تعریف می‌شد. رویکردی که با رادیکال‌شدن فضای سیاسی پس از قتل‌های زنجیره‌ای در سال۱۳۷۷ و در تداوم آن، حمله به گوی «اندشگاه» و انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ بیش از پیش تقویت شد. حال آن‌که «جامعه» و روزنامه‌های هم‌تبار بعدی آن (توس)، نشاط و عصر آزادگان، بیشتر رویکردی پرروسی‌ای و «جامعه‌محور» به اصلاحات داشتند و هرچند در منازعه سیاسی تا حد زیادی با طیف چپ همراه بودند، اما می‌کوشیدند از میانه منازعه سیاسی، راهی روزنه‌ای برای تقویت جامعه مدنی و نیروهای متحدوف و به‌حاشیه‌رفته بگشایند. این دو نوع مواجهه با اصلاحات و امر سیاسی (رویکرد پروژه‌ای و رویکرد پرروسی‌ای)، پیامدهای خاص خود را هم در پی داشت. اگر برخورد جریان اصلی قدرت با «جامعه» و روزنامه‌های هم‌تبار و هم‌خانواده آن، به شکل بازی «موش و گربه» بود که یک طرف توقیف و طرف مقابل، روزنامه‌ای دیگر منتشر می‌کرد روزنه‌ای نومی‌گشود؛ مواجهه «صبح امروز» با زبان داغ گلوله و از طریق شلیک به مدیر مسئول آن، تعقیب می‌شد. حجاریان ترور شد، نه‌فقط از این‌رو که روزنامه‌اش همچون حسین فاطمی و روزنامه «باختر امروز» لحنی تند و گزنده داشت؛ بلکه از آن جهت که اصلاحات و توسعه سیاسی رایک «پروژه» می‌دید و طبیعی بود که طرف مقابل هم به حذف «مغز اصلی طراحی و پیشبرد پروژه» گرایش یابد تا آن را متوقف کند. حال آن‌که، مواجهه با رویکرد پرروسی‌ای به اصلاحات، چنین ساده نبود و جز با شکل دادن فضای ناامیدی بدنه جامعه از مشارکت سیاسی و کنار گذاشتن رویکرد روزنه‌گشایی (که از انتخابات مجلس پنجم آغاز شده بود و در دوم‌خرداد به نقطه عطف خود رسید)، امکان نمی‌یافت (اتفاقی که از اوایل دهه ۱۳۸۰ رخ داد و با حاشیه‌نشینی و کم‌رنگ شدن کنشگری نیروی اجتماعی حامی اصلاحات، شکست‌های زنجیره‌ای نیروی سیاسی حامل اصلاحات نیز آغاز شد).

البته، این تفاوت رویکردهای پرروسی‌ای و پروژه‌ای به اصلاحات، در موضع‌گیری‌های درون جبهه‌ای اصلاح‌طلبان نیز در همان سال‌های طلایی آن، ظهور و بروز داشت. دوستدستی میان دو طیف چپ و لیبرال شورای شهر تهران یکی از این نمادها بود که در آن، نیروهایی چپ‌گرا تر از جبهه مشارکت (با محوریت ابراهیم اصغرزاده) به میدان آمدند و تعارض گفتمان‌های سوسیالیستی و لیبرال-آمرانه در مدیریت شهری (که میراث دوران غلامحسین کرباسچی بود) را رقم زدند و این ستیز و تعارض را تا مرحله انحلال شورای شهر هم پیش بردند. تعارض دیگر و جدی‌تر بر سر نوع مواجهه با کاندیداتوری اکبر هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم رخ داد. از یک‌سو، «صبح‌امروز» و دیگر روزنامه‌های جبهه مشارکت، به میدان آمدن هاشمی را فرصتی برای نقد رادیکال دوران او (در تداوم منشی روزنامه «سلام»، قرار دادند و ایسن جدال را حتی پس از انتخابات و در دوران شمارش و اعلام آرا (با حضور سیدمصطفی تاج‌زاده در معاونت سیاسی وزارت کشور) متوقف نکردند تا این نهایت، هاشمی به نقطه استعفا و انصراف رسید. این درحالی‌بود که روزنامه هم‌خانواده «جامعه» در مقطع انتخابات مجلس ششم (عصر آزادگان) مخالف این رویکرد بود و نویسنده‌گانی چون مرتضی مردی‌ها، صادق زیباکلام، شمس‌الواعظین و حتی ابراهیم یزدی درباره پیامدهای هل دادن هاشمی از موضع میانه به اردوگاه راست و رادیکال‌تر شدن سطح منازعات هشدار می‌دادند. هرچند در آن مقطع و از نگاه پروژه‌ای، رویکرد طیف چپ (چه در شورای شهر و چه در قبال هاشمی) درست‌تر می‌نمود و از اقبال اجتماعی بیشتری هم بر خوردار بود، اما از منظری کلان و پرورس‌محور، هر دو منازعه آسیب‌های جدی به توازن قوا در مسیر توسعه وارد کرد و حتی، همان الگوی پروژه‌ای به اصلاحات را نیز به شکست کشاند. چنان‌که حتی برخی چهره‌های مؤثر جریان چپ (چون بهزاد نبوی) هم، در همان مقطع مخالف چنین منازعاتی بودند؛ اما رویکرد انتقادی اکثریت جناح چپ در قبال هاشمی و طیف اقلیت اما مؤثر چپ در شورای شهر، در کنار جامعه جوان و هیجانی آن روزها، مانع از این می‌شد که صدای کهنه‌کارانی چون بهزاد نبوی به جایی برسد و به کرسی نشیند.

افول پایگاه اجتماعی و جایگاه سیاسی جریان اصلاحات از ابتدای دهه ۱۳۸۰ و تقویت گرایش‌های رادیکال جریان راست که با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، وجه پوپولیستی هم پیدا کرد؛ این شکاف‌های نظری-راهبردی میان اصلاح‌طلبان را کم‌رنگ کرد و به بیان حجاریان، نوعی گرد آمدن «سوسونه‌دلان» را شکل داد. موج سیاسی -اجتماعی ۱۳۸۸ و برخورد گسترده با تقریباً تمامی نیروها و جریان‌های حامی اصلاحات، این گردهمایی را تقویت کرد و از زندان ۱۳۸۸ تا میدان ۱۳۹۴، ۱۳۹۶ و بروز یافت.

گرچه در این مقاطع، نیروهای سیاسی و بدنه اجتماعی حامی اصلاحات متحد عمل کردند؛ اما وجه «عادی‌ساز» (در نالیزاسیون) و رویکرد صرفاً «انتخابات‌محور» این دوران چنان پررنگ بود که عملاً نخبگان و نظریه‌پردازان اصلاحات، میدانی برای بازگشت به ایده‌ها و راهبرد یادشده‌خرداند داشتند و عملاً، «دموکراتیزاسیون» (در وجه پروژه‌ای آن) به حاشیه رانده شد. چنین بود که خود حجاریان نیز در این دوران، نه‌فقط در مقام حمایت از دولت روحانی به‌تئوریزه کردن «نرمالیزاسیون» می‌پرداخت؛ بلکه گامی فراتر بر می‌داشت و در مقاله «مبارزه مصلحانه و رد تئوری فنا» (دی‌ماه۱۳۹۴) به

بهانه نقد مقاله امیر پرویز پویان، از استراتژیست‌های فدائیان خلق (با عنوان «مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا»، تاکتیک‌های حرکت اصلاحی را تبیین می‌کرد و به‌صراحت به دفاع از مواردی چون «سارش»، «اتلاف با رقیب» و «حرکت جبهه‌ای» می‌پرداخت. البته، حجاریان پیش از این و در دهه ۱۳۸۰ هم پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد پیش‌نهاده تشکیل جبهه‌ای از مؤتلفه تا نهضت آزادی را داده بود که نویسنده این مطلب نیز، همان زمان در روزنامه «شرق» آن را رد کرد و امکان انتلاف با مؤتلفه را به چالش کشید. گرچه رویکردها و نظریه‌های حجاریان پس از سال ۱۳۸۴ و به‌ویژه پس از ۱۳۸۸ لحن ملایم‌تر و دگرپذیرتری پیدا کرد و از «فتح سنگر به سنگر» به نرم‌الیزاسیون شیفت پیدا کرد؛ اما در نگاهی کلان، به‌همچنان مبتنی و متکی بر رویکردی پروژه‌محور به امر سیاسی بود. پروژه‌هایی که البته، هم حاملان، هم اهداف و هم راهبردها و تاکتیک‌های پیش‌برنده آن، در قیاس با سال‌های پس از دوم‌خرداد، آشکارا حداقلی و محافظه‌کارانه بود.

پایان دوران اقبال اجتماعی به نرمالیزاسیون (۱۳۹۶ به بعد)، زمینه‌ساز تقویت گرایش‌ها و گفتمان‌های رادیکال در میان نخبگان اصلاح‌طلب را فراهم ساخت. تصور آنان این بود که رادیکالیسم در بیان و مواضع، می‌تواند زمینه احیای سرمایه اجتماعی و بازگشت پایگاه مردمی اصلاح‌طلبان را فراهم کند. جدایی تدریجی از صندوق رای و تقویت شعار «همراهی با مردم» از ۱۳۹۸ تا امروز نیز در چارچوب همین تحلیل، شکل گرفت. بااین حال، به‌تدریج طیفی از نخبگان و فعالان اصلاح‌طلب به میدان آمدند که باید به کنار گذاشتن صندوق موافق نبوده، اگر در انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ این رویکرد، صرفاً وجهی پراتیک (در حد معرفی و حمایت از کاندیدای انتخاباتی) داشت؛ در انتخابات ۱۴۰۲ به این رویکرد وجهی تئوریک هم پیدا کرد و ۱۱۰ کنشگر سیاسی-فرهنگی با انتشار بیانیه «روزنه‌گشایی کنیم»، فراخوانی را برای بازی‌بنا راه‌طی‌شده و تلاش برای گشودن یاشل کردن قفل توسعه کشور دادند. انتشار این بیانیه، با نوعی هم‌زمانی تاریخی هم همراه بود که البته، از سر اتفاق رخ داد. بیانیه «روزنه‌گشایی کنیم» تنها یک روز پیش از سالگرد انتشار روزنامه «جامعه» یعنی در ۲۳ بهمن‌ماه منتشر شد و چنان که انتظار می‌رفت؛ پس از واکنش منتقدان، حمیدرضا جلیلی‌پور، مدیر مسئول روزنامه «جامعه» به اصلی‌ترین سخنگو و مدافع آن تبدیل شد. جالب‌توجه‌تر آن‌که، ماشاءالله شمس‌الواعظین (سر‌دبیر روزنامه «جامعه») که نامش در میان امضاءکنندگان بیانیه نبود، به فاصله چند روز و بر اساس منشی معمول اش از آن حمایت کرد. غیر از این، نام روشنفکران دینی چون مقصود فراستخواه و محمدمهدی مجاهدی، جامعه‌شناسانی چون محمد فاضلی و ملی-مذهبی‌هایی چون مهدی غنی و محمد ترکمان نیز در میان امضاء کنندگان دیده می‌شد که وجه تئوریک و تاریخی آن را تقویت می‌کرد. در مقابل، عباس شیدی و سعید حجاریان در مقام جدی‌ترین منتقدان «روزنه‌گشایی» به میدان آمدند تا دوراهی و شکاف شکل گرفته میان نخبگان اصلاح‌طلب، بمنوعی صفت‌بندی میان «سلام» و «جامعه»، را به ذهن نداعی کند.

در این میان، حجاریان در نقداخیری که به بیانیه روزنه‌گشایی منتشر کرد؛ از چند زاویه به بحث پرداخته است و از آن جمله، رد تئیر «هم‌میهن» یا عنوان «دوم‌خرداد هم روزنه‌گشایی بود» (تحلیل سردبیر، ۳ شهریور ۱۳۹۶، شماره۵۲)، رویکرد پروژه‌ای حجاریان به اصلاحات و امر سیاست، در این گفتار نیز آشکار است. او بحث دوم‌خرداد را به نحوه مواجهه نیروهای سیاسی چپ با انتخابات ۱۳۷۶ فرو می‌کاهد و از جمله خاطره دیدار اعضای مجاهدین انقلاب با مقام عالی نظام را ذکر می‌کند تا اثبات کند از همان زمان هم، هدف جریان چپ در انتخابات (داغ کردن تنور، نبوده است. حال آن‌که، نگاه پرروسی‌ای به اصلاحات و امر سیاست، متوقف بر خواست حاکم نیست. اتفاقاً، پیش شرط باور به ایده «روزنه‌گشایی» (چنان که در نقد ادعای کیهان هم نوشتیم)، «انسدادباوری» است. انسدادی که نه‌فقط در حکومت، بلکه در جامعه هم شکل گرفته و سیاست را به تعلیق برده است. روزنه‌گشایی، پیشنهاد و ایده‌ای است برای از بین بردن انسداد دوسویه و احیای سیاست و مشارکت. عامل اصلی طرح این بحث هم آن است که شرط توسعه را مشارکت (به‌ویژه نیروهای مدرن و طبقه متوسط) می‌داند و از همین منظر نیز، دوم‌خرداد ۱۳۷۶ و حتی ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ را گامی در جهت روزنه‌گشایی در ساخت متصلب و برهم‌زدن توازن قوا به سود نیروهای توسعه‌گرا می‌شناسد. طبعاً، نیروی سیاسی حامل تغییر نیز مسئولیت دارد از این فرصت‌های سیاسی و انتخاباتی تا حد امکان بهره‌برد و مانع تثبیت و تشدید انسداد شود (برخلاف مسیر پس از ۱۳۹۶) ضمن آن‌که در انتخابات اخیر، بحث و نقد اصلی متوجه در پیش گرفتن سیاست «نه به انتخابات» از چند ماه قبل و خودداری بسیاری از اصلاح‌طلبان از نامزدی بود. و الا، اگر همچون ادوار قبل چهره‌های سیاسی کاندید می‌شدند و عمال پس از درصاحبت‌ها در حوزه‌ای نامزدی وجود نمی‌داشت، حتی هم‌تنظرف معرفی کاندیدان داشت (چنان‌که احزاب هم‌سو با ایده روزنه‌گشایی نیز در این انتخابات، از ۲۹۰ کرسی تنها ۱۶۵ نامزد معرفی کردند و در حوزه‌های غیررقابتی، برخلاف ادعای منتقدان تئوری را داغ نکردند). اتفاقاً، نقد اصلی متوجه جریان عدم‌شُرکت در انتخابات است که از ابتدا به میدان نیامد و در پایان هم، از فرصت رقابت در ۱۶۵ کرسی به بهانه‌های مختلف خودداری کرد و حال نیز پس از انتخابات، کسب ۴۵ کرسی برای میانه‌روها را اسباب تمسخر و زیر سوال بردن ایده روزنه‌گشایی قرار داده است. البته، بر منتقدان فجازی و میدانی حرجی نیست. اما از بزرگانی چون حجاریان، انتظار آن بود که به جای اندیشیدن در رمز و راز تعداد امضاء کنندگان بیانیه، در ریشه‌های ریزش پایگاه رای ۲۰۰میلیونی ۱۳۷۶ و ۲۴۰میلیونی ۱۳۹۶ بیاندیشند و ایده‌واره‌بردی برای احیای «مشارکت سیاسی» پیشنهاد دهند. البته، راه عاقبت‌جویانه‌ای است که در سایه و اند، این بنشینیم و همچون تحریم‌گران قدیمی، خود را همراه و نماینده و سخنگوی آرای ریخته‌نشده به صندوق بااطله و مخدوش بخوانیم. البته، چنین عاقبت‌طلبی به هرکس بچسبد به سعید حجاریان که ۲۳ سال است رد گلوله بر چهره دارد، نمی‌چسبد و از همین‌روست که او از انتظار می‌رود به میدان نظر آید و راه و روزنه‌ای بگشاید. همچنان که خلیل‌اللهی‌ها، مهدی‌بازرگان‌ها، عزت‌الله‌سجادی‌ها، ابراهیم یزدی‌ها و بهزاد نبوی‌ها چنین بودند و هستند و از اقلیت بودن و در کوتاه‌مدت شکست خوردن، هراس به دل ندادند و نمی‌دهند. اگر اصلاحات را پرورس بدانیم، در راه روزنه‌گشایی گام می‌گذاریم، چنان‌که در دوم‌خرداد رقم خورد…

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

مقامات بین‌المللی خواستار آتش‌بس در غزه شدند؛

توقف جنگ در رمضان؟

▼ **درخواست برای آتش‌بس**

اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، یکی از رهبرانی بود که به‌طور مستقیم خواستار برقراری آتش‌بس طولانی‌مدت در غزه شد. صدراعظم آلمان در یک پیام ویدئویی مطرح کرد که به‌خاطر آغاز ماه رمضان، دولتش برای برقراری آتش‌بس طولانی‌تر در خاورمیانه تلاش می‌کند. شولتز همچنین اسرائیل را به رعایت قوانین بین‌المللی فراخواند. صدراعظم آلمان با اشاره به ادامه‌دار بودن جنگ در نوار غزه، آتش‌بس طولانی‌مدت برای تأمین کمک به آوارگان را ضروری دانست.

به مناسب آغاز ماه رمضان، پیامی نیز توسط ملک سلمان، پادشاه عربستان منتشر شد. در این پیام که از سوی سلمان الدوسری، وزیر اطلاع‌رسانی سعودی خوانده شد، آمده است: «برای ما دردناک است که ماه رمضان امسال در سایه ادامه حملات تجاوزکارانه علیه برادران و خواهران مادر فلسطین، فرارسید. ما بر لزوم پذیرفتن مسئولیت از سوی جامعه جهانی برای توقف این جنایات وحشیانه تأکید می‌کنیم و خواهان احداث گزرگاه‌های بشردوستانه و امدادی ایمن برای فلسطینیان هستیم.»

رسانه‌های منطقه همچنین از تلاش‌های قاهره برای برقراری آتش‌بس در هفته اول ماه رمضان خبر دادند. العربیه خبر داده است که مقامات مصری تماس‌های گسترده‌ای برای دستیابی به آتش‌بس در هفته اول ماه رمضان و برقراری جریان ورود متناوب کمک‌های غذایی و دارویی بدون محدودیت به نوار غزه داشته‌اند. این منبع خبری ذکر کرده است که تماس‌های مکرری میان مقامات مصری، آمریکا و اسرائیل برقرار است و قاهره خواستار میانجی‌گری آمریکایی‌ها برای موافقت اسرائیل با بازگشایی گزرگاه زمینی رفح برای ورود کمک‌های بشردوستانه است. بر اساس این گزارش، مصر بر لزوم حفظ حرمت ماه رمضان از سوی اسرائیل تأکید زیادی دارد. از سوی دیگر، روزنامه قطری العربی‌الجدید روز گذشته فاش کرد که ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) اخیراً سفری محرمانه به قاهره داشته و درباره برقراری آتش‌بس ۲ تا ۴ روزه در آغاز ماه رمضان مذاکره کرده است. مقامات سازمان ملل متحد نیز خواستار برقراری آتش‌بس شدند و نسبت به گسترش قحطی در غزه هشدار دادند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی ایتالیایی، گفت: «نحوه جنگ در غزه نشان می‌دهد که سنگین‌ترین تاوان را غیرنظامیان می‌پردازند. این واضح و مبهره‌است. اسرائیل گفت که این جنگ نه علیه فلسطینیان، بلکه علیه حماس است اما واقعیت این است که تبدیل به مجازات دسته‌جمعی فلسطینیان شده است. می‌گوییم دیگر «بس است». خواستار آتش‌بس در غزه هستیم و ماه رمضان می‌تواند فرصت بسیار خوبی برای دستیابی به آتش‌بس باشد.»

صف طولانی گوشت در آغاز رمضان

قیمت‌ها در آستانه ماه رمضان و عید افزایش یافت

▼ **کاهش مصرف گوشت قرمز**

برآورد سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) نشان می‌دهد مصرف انواع گوشت (سبک، سنگین و طیور) در ایران در سال ۲۰۲۳، روند نزولی داشته است و سرانه مصرف گوشت ایرانی‌ها، یک‌سوم کمتر از متوسط جهانی است. مدت‌هاست که خرید گوشت قرمز از سبد خانوارها حذف یا کاهش چشمگیری یافته است، بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت گوشت قرمز گوساله طی ۵ سال گذشته حدود ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تولید گوشت قرمز در دی‌ماه امسال برای دومین سال متوالی روند نزولی چشمگیری داشته است؛ به‌طوری‌که نسبت به ماه مشابه پارسال ۱۸ درصد و نسبت به دی‌ماه ۱۴۰۰ بیش از ۲۳ درصد سقوط کرده است. همچنین قیمت گوشت گوسفندی در دی‌ماه نسبت به ماه قبل آن حدود ۱۱ درصد و نسبت به دی‌ماه پارسال حدود ۱۲۸ درصد جهش داشته است. این نشان‌دهنده آن است که دولت ریسی حتی در مهار قیمت گوشت نیز موفق نبوده است.

▼ **۵۴۷ میلیون دلار هزینه واردات گوشت قرمز در سال جاری**

افشین صدرادرس، مدیرعامل اتحادیه مرکزی دام سبک کشور در واکنش به انتشار تصاویری از صف‌های طولیل مردم برای خرید گوشت‌های دولتی، با بیان اینکه به ۴۰ سال قبل بازگشته‌ایم، به هم‌میهن گفت: «متأسفانه شاهد واردات گوشت‌های خارجی با کیفیت نامناسب هستیم و حتی شایعه‌شده است که این گوشت‌ها آلوده به تب‌برفکی هستند، در چند این موضوع ردشد اما نگرانی دربارہ سلامت آنها وجود دارد. جای تأسف دارد که زمانی به مرز خودکفایی تولید گوشت قرمز در کشور نزدیک شده بودیم اما امروز مردم برای خرید گوشت‌های خارجی در صف هستند.» او با بیان اینکه از سال ۱۳۹۸ تولید گوشت قرمز از اولویت خارج شد، تصریح کرد: «سیاست‌های تعیین‌شده از این سال موجب شد تا سرانه مصرف مرغ از ۱۸ کیلوگرم به ۳۲ کیلوگرم افزایش یابد و کم‌کم مصرف گوشت از سبد غذایی خارج شود. گام اول برای این سیاست نیز این بود که از ۴۲۰۰ تومانی برای نهاده‌های دامی سبک کم‌کم حذف شد. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در فروردین ۱۴۰۱، کمتر از ۱۰ درصد از نهاده‌های مورد نیاز دام سبک با از ۴۲۰۰ تومانی تأمین‌شده درحالی‌که تخصیص از برای نهاده‌های مرغ ۹۰ درصد بود. بنابراین نخستین گام توسط سیاست‌گذاران نه برای

انتشار تصاویری از صف‌های طولانی

مردم برای خرید گوشت قرمز خارجی با تعرفه دولتی در آستانه

آغاز ماه رمضان، اگر چه زیننده کشور نیست، اما نشان دهنده واقعیت ناخی است که از ماه‌هایش شاهد آن هستیم و با استناد به شاخص‌های اقتصادی و آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز آمار، ادامه‌دار خواهد بود. اگر چه مسئولان در سخنان‌شان ادعای بهبود اقتصاد را دارند اما حقیقت این است که قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است و آثار آن را در سفره‌های آب‌رفته آن‌ها می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد. مسئولان این حقیقت تلخ را می‌دانند و برای همین است که طرح فجرانه و کالابرگ را در دستور کار خود قرار داده‌اند؛ طرح‌هایی که از قضا با استقبال مردم مواجه شده است. دولت همچنین با توجه به افزایش گوشت قرمز مدت‌هاست که واردات گوشت گرم و منجمد را در دستور کار قرار داده است تا بازار به تعادل برسد. حتی برای تأمین گوشت مصرفی مورد نیاز ماه رمضان که با عید نوروز مقارن شده، اعلام کردند که ۳۰ هزار تن گوشت وارد کشور خواهد شد اما سوال اصلی اینجاست؛ چه شد که بار دیگر مردم برای دریافت گوشت باید ساعت‌ها در صف باشند و در نهایت نیز گاهی بدون اینکه گوشت به افراد برسد، به خانه برگردند؟

انتظار در صف برای خرید اقلام مصرفی برای مردم ایران، تصویر غریبی نیست. زیرا در سال‌هایی که کشور در جنگ هشت‌ساله بود، با توزیع کوپن تمام اقلام مصرفی مورد نیاز، البته با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار می‌گرفت اما بعدها طولانی‌مدت برای دریافت اقلام مصرفی به صفر رسید. حالا با روی کار آمدن دولت سیزدهم مدت‌هاست که مردم بار دیگر به صف شده‌اند. این روزها مردم برای خرید اقلام ضروری ساعت‌ها باید انتظار بکشند و با توجه به سیاست‌گذاری اشتباه در اقتصاد کلان و تورم افسارگسیخته در آینده نزدیک، احتمالاً باید شاهد صف‌بستن مردم برای تمامی اقلام باشیم. برای نمونه جهت خرید گوشت گوسفندی به قیمت ۳۰۰ هزار تومان باید از صبح ساعت ۵ به مراجعه به مراکز دولتی تعیین‌شده نوبت گرفت و ساعت ۸ صبح نیز ساعت‌ها در انتظار ماند. هر فرد با کد ملی تنها می‌تواند ماهانه ۱ کیلوگرم گوشت گوسفندی و سه کیلوگرم گوشت گوساله دریافت کند. این در حالی است که قیمت گوشت گوسفندی ایرانی حدود ۸۰۰ هزار تومان است و خرید آن در توان همه مردم نیست. شرایط کنونی تصویری واضح برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان است که بر طبل بی‌اهمیتی تحریم‌های کوپند و حاضر به پذیرش اشتباهات‌شان در گذشته و جبران آن در حال نیستند.

گزارش یک

گزارش دو